بپردازیم، بتدریج حواشی فربه‌تر از متن خواهد شد و متن فراموش می‌شود. فراموش نکنید کار ما توسعه فرهنگی و ارتقای سطح آگاهی فرهنگی است. کار نظام فرهنگی معرفت‌افزایی است و مناقشه نیست.

اما گاهی منتقدین از این روند برداشت «حاکمیت دوگانه» دارند...

مسیر ما تسلیم شدن در مقابل ساختارهای محلی تحت هیچ شرایطی نیست. قطعاً مسیر ما انفعال و تسلیم شدن در مقابل سلیقه‌ها و برداشت‌های محلی نیست. مسیر ما گفت‌وگو و قانون است. ما هم از طریق گفت‌وگو نتیجه گرفتیم و هم اینکه هر مسأله‌ای را به میزان ظرف مربوطش تعریف می‌کنیم و یک ظرف را در ارشاد آنچنان فربه نمی‌کنیم که بقیه در ذیل آن دیده نشوند.

تأکید کردید آمار لغو کنسرت‌ها اندک است اما موضع‌گیری برخی منتقدان و پاسخ صریح رئیس جمهوری حس «حاکمیت دوگانه» را ایجاد کرد و ناظران منتظر ماندند میان قانون و اجتهادهای محلی، بالاخره کدام یک مبنای عمل قرار می‌گیرد. بعد از آن هم کنسرت‌های مشهد تقریباً مسکوت ماند و این هم یعنی ادامه وضعیت فعلی و اینکه آنچه که قانون مجاز می‌داند، اجرا نخواهد شد. این مسأله است که نظر افکار عمومی را به خود جلب کرده است. در واقع، آن یک درصد آماری شاید چندان مهم نیست، نکته اصلی فرجام قانون است و اینکه آیا سرانجام می‌توان برای مردم مشهد کنسرت اجرا کرد یا نه؟

بله ما هیچ محدودیتی را برای هیچ یک از مؤسسات مجاز موسیقی در هیچ کجای کشور قائل نیستیم. هر مؤسسه‌ای که از ارشاد مجوز دارد حق برگزاری موسیقی در هر جای ایران را دارد و ما محدودیتی قائل نیستیم.

اما در عمل مشکل پیش آمده است...

بله به طور طبیعی با مانع مواجه می‌شویم که از طریق گفت‌وگو یا قانون باید آن را حل کنیم.

برای اجرای موسیقی در مشهد گشایشی اتفاق افتاده است؟

در کشور قانون حاکم است اگر دیگران بی‌قانونی می‌کنند دلیل نمی‌شود که ارشاد هم در مقابل، بی‌قانونی کند. مسیر ارشاد، گفت‌وگو و قانون است. ما در مقابل رفتارهای غیر قانونی دیگران اول گفت‌وگو می‌کنیم برای اقناع و بعد هم مسیر قانونی را برای احقاق حقوق مردم طی می‌کنیم. انتخاب ما با ساختارهای رسمی که در آن قرار داریم متناسب است نه اینکه ما هم مثل دیگران جنجال کنیم. ما حاکمیت هستیم. شخص نیستیم. ما در چارچوب حاکمیت عمل می‌کنیم. در این چارچوب مقوله نظم اجتماعی و قانون بسیار مهم است و در عین حال بر حقوق مردم پافشاری می‌کنیم اگر در مقابل آن بی‌قانونی می‌بینید، نهادهایی که مسئول اجرای قانون هستند باید به کمک وزارت ارشاد بیایند. برای حل بخشی از مسائل و چالش‌های حوزه فرهنگی حتی نهادهای قانونی باید به ارشاد کمک کنند. چون مجموعه سیستم‌ها در حال فعالیت هستند نمی‌توان همه مسئولیت را از ارشاد مطالبه کرد.

آیا آن نهادها اقدامی کرده‌اند؟

مثلاً بحث تبلیغات فیلم‌ها در شبکه ماهواره‌ای که قوه قضائیه وارد شد و نتیجه آن پایین آوردن یکی از فیلم‌ها از پرده سینما بود. ما با قوه قضائیه به این نتیجه رسیدیم که مسأله پیگیری به ارشاد واگذار شود و قوه قضائیه وارد نشود. دادستان محترم تهران هم پیشنهاد ما را پذیرفتند و اکنون چالشی به عنوان تبلیغات ماهواره‌ای نداریم.

یکی از مشکلاتی که آقای جنتی به ویژه در مراسم تودیعشان به آن اشاره کردند این بود که اتاق فکرهایی علیه ارشاد شکل گرفته که تخریب می‌کنند و به یک سری نهادها و ائمه جمعه خط می‌دهند؛ انتقادها را همان طور که شما هم اشاره کردید می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. برخی به دلیل باورهای‌شان انتقاد می‌کنند اما بعضی دیگر با انگیزه کشاندن بازی‌های سیاسی به زمین فرهنگ، دست به انتقاد می‌زنند و با نیت تخریب مطالب جهت‌داری را در قالب بولتن تولید کرده و به نهادها یا افراد مورد نظرشان ارسال می‌کنند تا آنها را علیه دولت تحریک کنند. شما طی مسئولیت‌تان نشانه‌هایی از فعالیت این اتاق فکرها را احساس کرده‌اید؟

نوع نگاه من متفاوت است. به جای اینکه انرژی‌ام را صرف این کنم که دیگران چه کاری انجام می‌دهند به گسترش فعالیت و پویایی وزارتخانه اهمیت داده‌ام و انرژی صرف کرده‌ام.

رویکرد فعال به جای رویکرد انفعالی. انرژی‌ام را صرف مخالفین نمی‌کنم بلکه صرف توسعه و تعالی فرهنگ خواهم کرد. یعنی اولویت من تحرک، پویایی و جهش در وزارت ارشاد با رویکرد استراتژیک است نه روزمرگی. یکی از آفت‌های نهادهای فرهنگی روزمرگی و نداشتن نگاه بلند است. عرصه فرهنگی تحولاتش ده‌ها است. امروز وقتی کاری در ارشاد انجام می‌دهیم، نتیجه‌اش را ۱۰ سال بعد می‌بینیم. مدیر نباید وقت خود را مصروف حواشی کند بلکه همه توانش را باید صرف آینده کند. وظیفه دائمی ما این نیست که خودمان را مشغول فضای دیگران کنیم. ضمن اینکه آن فضا را هم باید مراقبت کنیم اما نباید خودمان را تمام وقت درگیر فضاهایی کنیم که رویکردهای خاص خودشان را دنبال می‌کنند.

من معتقدم که دولت مخالفینی دارد و مخالفان آن دو دسته‌اند. دسته اول کسانی هستند که رویکردشان انتقادی است و استراتژی رئیس جمهوری و دولت هم نقدپذیری است. اساساً اعلام کردیم گوش شنوا داریم و نقد را می‌پذیریم. دسته دوم مخالفان دولت، رویکردشان تخریبی است و در حقیقت از رأی مردم و اقبال مردم به دکتر روحانی ناراضی‌اند. مشکل آنها دولت نیست بلکه مردم‌اند. آنها به جای اینکه به مردم اعتراض کنند، به دولت اعتراض می‌کنند. مشکل این افراد این است که فاقد پایگاه اجتماعی‌اند و از این جهت که دکتر روحانی از سرمایه اجتماعی خیلی خوبی برخوردار است، دچار چالش و بحران‌اند. پیام روشن من به این دو طبقه این است که منتقدین در دولت مورد استقبال واقع می‌شوند و دولت هم گوش شنوا برای نقد دارد و به تخریبگران هم می‌گویم به جای اینکه دولت را تخریب کنید به فکر جلب سرمایه اجتماعی از مردم باشید، اگر رضایت مردم را جلب کنید می‌توانید در عرصه قدرت رقابت کنید ولی اگر شما نتوانید اعتماد و رضایت و مشارکت مردم را داشته باشید مخالفت با دولت مشکل را حل نخواهد کرد. معتقدم تخریب شخص دکتر روحانی تخریب منافع ملی و مصالح ملی است. دکتر روحانی بزرگترین فرصت نظام در شرایط فعلی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. او توانست کشور را از بحران تحریم و بحران اجماع بین‌المللی علیه ایران خارج کند. او می‌تواند در منطقه پر تلاطم و پر خشونت خاورمیانه صلح و ثبات ایجاد کند و به عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه نقش‌آفرینی کند. دکتر روحانی می‌تواند با توانمندی و هوشمندی و با داشتن تیم قوی مدیریتی از چالش‌های داخلی از جمله چالش‌های اقتصادی و معیشتی هم عبور کند. او جزو شخصیت‌های ممتازی است که می‌تواند در داخل نظام اجماع ملی کند. دولت او حزبی و جناحی نیست و نگرش ملی دارد.

این دولت محصول جناح‌ها نیست بلکه همه جناح‌ها حضور دارند. چون شخصیت ایشان ملی است و قدرت انسجام ملی هم دارد. معتقدم خداوند فرصت طلایی ایجاد کرده تا ما بتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم. البته منکر زحمات دولت‌های گذشته نیستم و دولت در تداوم حیاتش دستخوش تلاطم‌هایی خواهد شد. اما همه شاخص‌ها نشان می‌دهد که این دولت توانسته تورم را مهار کند و اشتغال را از صفر درصد به ۷۰۰ هزار نفر برساند البته تقاضای اشتغال در ایران یک میلیون و ۲۰۰ هزار است. این دولت توانسته نخستین بار صادرات نفت را به بالای ۲/۳ میلیون بشکه برساند و توانسته زنجیر تحقیر و تحریم بین‌المللی را در ایران پاره کند و موفق شده برای نخستین بار برداشتی از منابع گازی مشترک را با کشورهای همسایه برابر کند و ۱۰ میلیون نفر را مشمول بیمه سلامت قرار دهد و بعد از انقلاب نظام سلامت را اجرایی کند تا روستاییان و شهرنشینان با کمتر از ۱۰ درصد هزینه از سلامت برخوردار شوند. عدالت سلامت بسیار مهم بود و همچنین برای نخستین بار گسترش نظام ریلی در حجم وسیع را در دستور کار خود قرار داده است و در بودجه سال ۹۶ بودجه‌ای ویژه برای آن قائل شده است. این محصول دولت ملی است. البته به طور طبیعی ما دولت زمینی هستیم آسمانی نیستیم. ما مدعی استفاده از مقدسات برای اثبات خودمان نیستیم. دولت روحانی زمینی است یعنی اگر موفقیتی داریم برای مردم است و اگر ناکامی است متعلق به ماست.

نزدیک به انتخابات است. برخلاف بقیه وزیران، مخاطبان شما اصحاب فرهنگ و هنر هستند که می‌توانند شور اجتماعی ایجاد کنند، خیلی از هنرمندان دلسرد شده‌اند. فکر می‌کنند آن طور که باید و شاید در حوزه فرهنگ اتفاق خاص نیفتاده و البته می‌دانند که تمرکز دولت در دو سال اول برجام بود. اگر به عنوان یک پیام بخواهید به هنرمندان امیدواری بدهید که مردم هم در صحنه باشند چه چشم‌اندازی در حوزه سیاست‌های فرهنگی دولت می‌توانید به مردم بدهید؟

من تقاضا می‌کنم از همه اصحاب فرهنگ و هنر رویکرد واقع‌گرایانه داشته باشند که ما از کجا به کجا منتقل شدیم. در حقیقت دولت چهار سال در حال آوار برداری بود از مجموعه خرابه‌ای که تحویل گرفته بود. ما شرایط گل و بلبل تحویل نگرفته بودیم که همه شاخص‌ها در عالی‌ترین سطح باشد و ما این شرایط را به هم زده باشیم. این دولت در شرایط منهای ۶/۸ رشد تحویل گرفته و اکنون به اضافه ۶/۸ رسیده است، گرانی ۳۰۰ درصد بود و این گرانی کاملاً مهار شده است. بی‌اعتمادی ملی در عالی‌ترین سطح بود و اعتماد ملی تا حدودی بازسازی شد و از همه مهم‌تر انسجام ملی بازسازی شد، همه علیه هم شده بودند. کشور تجزیه شده بود. رئیس یک قوه در مجلس علیه رئیس قوه دیگری افشاگری می‌کرد و امروز این فضا را نمی‌بینید؛ دولت دنبال انسجام ملی است. در چنین شرایطی هنرمندان بیش از همه نسبت به واقعیت‌ها توجه دارند. چه شرایطی در حوزه فرهنگ و هنر وجود داشت؟ در حوزه نشر، سینما و مطبوعات و...

هر منصفی شهادت می‌دهد که شاخص‌های ما نسبت به گذشته بهبود پیدا کرده است. اما معتقدم که سال ۹۶ سال جهش دولت در عرصه حل مسائل داخلی و ملی است. یعنی دولت بخش عمده انرژی‌اش در فضای بین‌المللی و منطقه‌ای در دوره قبل صرف شد و این ظرفیت در دوره بعد در داخل هزینه خواهد شد. اقتصاد ملی، معیشت و سلامت ملی در دوره بعد جهش پیدا کرد.

سال گشایش در حوزه فرهنگی هم خواهد بود؟

معتقدم به سمت اعتمادسازی در حوزه فرهنگ و هنر برویم و بعد از آن کار را به آنها واگذار کنیم. ارشاد بدون داشتن ظرفیت بزرگ اصحاب فرهنگ و هنر نمی‌تواند به مقصد و مقصود برسد. لذا وظیفه ارشاد و وزیر راهبردی است اما برای رسیدن به مقصد به سرمایه عظیم اصحاب فرهنگ و هنر احتیاج دارد.

به اعتمادسازی اشاره کردید. شما خیلی فعالید و جلسات زیادی می‌گذارید و دیدگاه‌هایتان را می‌گویید و صحبت‌های آنان را می‌شنوید تا تبدیل به یک خروجی خوبی شود. آیا سازوکار مشخصی دارید؟

ما شورای راهبردی تعریف کردیم که مستمراً جلساتی را توسط افراد صاحب‌نظر تشکیل می‌دهد؛ مواردی که در دیدارها و نشست‌های صمیمی با اصحاب فرهنگ و هنر مطرح هستند، آنجا ارزیابی می‌شود و سازوکار برایش تعریف می‌شود و این مسیر دائمی ماست. ما از طریق دیدگاه دیگران خودمان را دایماً بازسازی می‌کنیم.

یعنی در سیاستگذاری‌ها کاملاً مؤثر است؟

سیاستِ قطعی است. اساساً دستگاه بزرگ ارشاد مدام در معرض نقد و گفت‌وگو و تعامل با دیگران است. در این مدت کوتاه ۱۰ سفر استانی داشتم تا از نزدیک صداهای فرهنگی را بشنوم.

من تقاضا می‌کنم از همه اصحاب فرهنگ و هنر رویکرد واقع‌گرایانه داشته باشند که ما از کجا به کجا منتقل شدیم. در حقیقت دولت چهار سال در حال آوار برداری از خرابه‌ای بود که تحویل گرفت